

ضوابط آزادی بیان در ادبیات قرآن کریم با تأکید بر آرای

مفسران فریقین



دکتر محمدحسین محمدی^۱، احمد فصیحی اخلاقی^{۲*}

چکیده

قرآن کریم، که منبع جامع معرفت دینی است، به «آزادی بیان» به مثابه یکی از حقوق اولیه انسان می‌نگرد و برای آن جای‌گاه والایی قائل شده است. این امر در حکومت اسلامی از راه‌بردهای بنیادین به حساب می‌آید. «آزادی بیان» هم‌چون سایر پدیده‌ها دارای حدود و چهارچوب‌هایی است، که با توجه به بهره‌وری‌های ویران‌ساز و اهانت‌بار ناآگاهان از آن، تعیین آن‌ها در ادبیات قرآن کریم و اندیشه مفسران تشیع و تسنن، ضروری می‌نماید. هدف این مقاله پاسخ بدین پرسش بوده است که ضوابط «آزادی بیان» در قرآن کریم براساس نگرش مفسران فریقین چیست؟ جهت دست‌یابی بدین هدف، به شیوه کیفی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و تفسیر موضوعی استنتاجی و ابزار کتاب‌خانه‌یی و نرم‌افزاری، به قرآن کریم مراجعه و با استمداد از منابع تفسیری، آیات ناظر به حدود آزادی بیان جمع‌آوری و به تحلیل گرفته شده است. کندوکاو در آیات و تفاسیر، بیان‌گر آن است که: آزادی اظهار باورها به‌عنوان یک اصل از قرآن کریم قابل اثبات است؛ اما نه به‌صورت مطلق و بدون قید، بل که ضوابطی هم‌چون رعایت حدود الهی، رعایت نصاب‌های عقلی و منطقی، رعایت مصالح جامعه اسلامی، منع بیان‌های تنش‌آفرین، وحدت‌شکن، شایعه‌ساز، توهین‌گونه، تمسخرآمیز و مواردی که موجب فساد و تباهی فردی یا اجتماعی می‌گردد، بر آن حاکم است. ضابطه‌مندسازی «آزادی بیان» ضمن پاس‌داری از اصل آزادی اظهار نظر، مسیر بیان‌های تخریب‌گر را می‌بندد و موانع اظهارات ویران‌گر و معارض با مصالح فردی و اجتماعی می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: قرآن کریم، ادبیات قرآن، مفسران فریقین، آزادی بیان، ضوابط آزادی

بیان.

دوره و سال سیزدهم نشراتی، پیاپی ۴۵، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳
غالب (فصل‌نامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی پوهنتون غالب)

^۱ استادیار گروه علوم قرآن، جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران (MohammadHossein_Mohammadi@miu.ac.ir)

^{۲*} دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی، گروه قرآن و علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران (نویسنده)

مسئول: fasahi7276@gmail.com

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر شده است.

The Disciplines of Freedom of Speech in the Literature of the Holy Qur'an with the Opinions of Foreign Commentators

MohammadHossein Mohammadi¹, Ahmad Fasihi Akhlaqi^{2*}

Abstract

The Holy Quran, which is a comprehensive source of religious knowledge, regards "freedom of expression" as one of the basic human rights and has given it a high position. This is considered one of the fundamental strategies in the Islamic government. "Freedom of expression", like other phenomena, has limits and frameworks, which are necessary to be defined in the literature of the Holy Qur'an and the thought of Shia and Sunni commentators, considering the destructive and insulting productivity of those who are ignorant of it. The purpose of this article is to answer the question, what are the criteria of "freedom of speech" in the Holy Quran based on the viewpoint of the commentators of the two school of thoughts (Shai and Sunni)? In order to achieve its goal, the article is written in a qualitative manner and by using the descriptive-analytical method and inferential thematic interpretation and library and software tools, referring to the Holy Quran and exegesis sources, collecting and analyzing the verses regarding the limits of freedom of expression. Searching in the verses and interpretations shows that; The freedom to express beliefs can be proved as a principle of the Qur'an; But not absolutely and unconditionally; Rather, it is based on rulings such as observing divine limits, observing rational and logical quorums, observing the interests of Islamic society, prohibiting creating tension, breaking unity, rumor-mongering, insulting, mocking expressions and things that cause corruption. And it becomes personal or social ruin. Regulating "freedom of speech" while protecting the principle of freedom of expression, closes the path of destructive expressions and prevents destructive statements that are against personal and social interests.

Keywords: Holy Qur'an, Qur'anic literature, Foreign Commentators, Freedom of Speech, Rules of Freedom of Speech.

¹ Assistant Professor, Department of Qur'an Sciences, Al-Mustafa University, Qom, Iran (MohammadHossein_Mohammadi@miu.ac.ir)

^{2*} Ph.D. scholar of Quran and Political Sciences, Department of Quran and Human Sciences, Higher Education Complex of Quran and Hadith, Al-Mustafa University (PBUH), Qom, Iran (Corresponding Author: fasih7276@gmail.com)



۱. مقدمه

قرآن کریم به‌عنوان جامع‌ترین دستورالعمل حیات اجتماعی، تأمین آزادی و رهانیدن بشر از محدودیت‌های تحمیلی را جزو مهم‌ترین وظایف پیام‌بر اکرم (ص) دانسته است (اعراف: ۱۵۷)؛ زیرا آزادی خواستهٔ تکوینی و از گواراترین تمایلات طبیعی بشر است. یکی از ارزنده‌ترین شاخه‌های آزادی، «آزادی بیان» است؛ زیرا بیان، مسائل درهم‌تنیده و مبهم را روشن می‌سازد و با تبیین می‌توان یک جامعه را به قلهٔ فرهنگ و تمدن رساند و یا به ورطهٔ سقوط و انحطاط کشاند؛ بدین‌جهت است که قرآن کریم «بیان» را هم‌وزن نعمت آفرینش دانسته است (الرحمن: ۳-۴) و به «قلم» به دلیل عظمت آن سوگند یاد کرده است (القلم: ۱)؛ اما «آزادی بیان» به‌صورت مطلق و بدون پیرایه قابل پذیرش و تحقق نیست؛ بل که حدودی دارد، که باید در چهارچوب آن قرار گیرد؛ زیرا ضابطه‌مندسازی آزادی بیان، ضمن پاس‌داری از اصل آزادی اظهار نظر، مسیر بیان‌های تخریب‌گر را می‌بندد و مانع اظهارات ویران‌گر و معارض با مصالح فردی و اجتماعی می‌شود.

باتوجه به بهره‌وری‌های ناروا و برخوردهای دوگانه و جانب‌دارانهٔ کشورهای استعماری از «آزادی بیان» و بریدن زبان‌ها و شکستن قلم‌ها توسط برخی از زمام‌داران، تبیین ضوابط حاکم بر «آزادی بیان» در ادبیات قرآن کریم و اندیشهٔ مفسران دو فرقهٔ شیعی و سنی پُراهمیت و درخور پژوهش است.

تتبع در سابقهٔ تحقیقاتی «ضوابط آزادی بیان»، جز مقالهٔ «محدودیت‌های آزادی بیان در حقوق بشر اسلامی با روی‌کرد به اسناد بین‌المللی»، نگاشتهٔ حسین ملکوتی، نتیجهٔ دیگری به دست نداد. مقالهٔ یادشده هرچند برخی از ضوابط اسلامی آزادی بیان را یادآوری کرده است؛ اما به مستندات قرآنی آن توجه چندانی نداشته است. پی‌جویی‌های انجام‌شده در عرصهٔ دیرینه‌پژوهشی «ضوابط آزادی بیان» نشان داد، که پیشینهٔ عام (ضوابط آزادی بیان در اسلام) این مقوله اندک و پیشینهٔ خاص (ضوابط آزادی بیان در قرآن) کم‌تر و پیشینهٔ ویژه برای موضوع (ضوابط آزادی بیان در ادبیات قرآن از منظر مفسران فریقین) یافت نشد؛ بنابراین، این پژوهش بدیع و بی‌سابقه است.

هدف این نوشتار کشف «ضوابط آزادی بیان» از قرآن کریم با بهره‌گیری از برداشت‌های مفسران مذاهب شیعی و سنی می‌باشد. در همین راستا بدین پرسش اساسی که ضوابط آزادی بیان در ادبیات قرآن کریم از نظرگاه مفسران فریقین چیست؟ پاسخ خواهد داد. در فرضیه این مهم بیان شده است که اظهار باورها در نگرش قرآن مجید آزاد و گاهی لازم است؛ اما این آزادی مطلق نبوده و ضوابط عقلی، شرعی و قانونی بر آن حاکم است.

نگارش پیش رو به شیوه کیفی تنظیم و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و تفسیر موضوعی استنتاجی و ابزار کتابخانه‌یی و نرم‌افزاری، به قرآن کریم مراجعه و با استمداد از منابع تفسیری، آیات ناظر به حدود آزادی بیان را جمع‌آوری و به تحلیل گرفته است. یافته‌های پژوهش بر اساس ادبیات قرآن کریم آن است، که تردیدی در آزادبودن تبیین افکار و عقاید از نگاه اسلام نیست؛ اما «آزادی بیان» به صورت مطلق و بدون هیچ مانع، منطقی و ممکن نبوده و طرفدار ندارد؛ بل که رعایت حدود الهی، نصاب‌های عقلی و منطقی و مصالح اجتماعی لازم و بیان‌های تنش‌آفرین، وحدت‌شکن، شایعه‌ساز، توهین‌گونه، تمسخرآمیز و مواردی که موجب فساد و تباهی فردی یا اجتماعی می‌گردد، ممنوع است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. آزادی در لغت

آزاد در فارسی به معنای رها و بی‌قید و بند (عمید، ۱۳۷۷: ۲۸) آمده و آزادی در معنای رهایی و خلاص، عتق، حریت، اختیار، خلاف بنده‌گی، رقیّت، عبودیت، اسارت و اجبار، و نیز در مفهوم قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب، به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱/ ۷۷ و معین، ۱۳۷۶: ش: ۴۶). آزادی یعنی نبودن مانع برای انجام کاری، اسیر، زندانی، یا گرفتار نبودن. به لحاظ سیاسی، امکان عملی کردن خواسته‌ها به صورت فردی یا جمعی؛ حق اقدام و انتخاب بدون دخالت دیگران (انوری، ۱۳۸۱: ۸۹). معادل عربی آزادی، واژه «حریت» است. در قرآن کریم واژه «الْحُر» (بقره: ۱۷۸) به معنای آزاد و کلمه «تَخْرِیرُ» (مجادله: ۳) به معنای آزادکردن آمده است.

۲-۲. آزادی در اصطلاح

آزادی همانند بسیاری از دانش‌واژه‌های علوم انسانی، دارای معانی عدیده و برداشت‌های متفاوت و گوناگون است (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷: ۱/ ۵۷۴). متفکران مکاتب گوناگون فلسفی، فکری و اجتماعی، رویکردهای مختلف و گاه متضاد در قبال آزادی اتخاذ کرده‌اند. رگه‌های اصلی تعریف‌های متفاوت و متعارض از آزادی به جهان‌بینی تعریف‌کننده بر می‌گردد، هرچند شرایط جغرافیایی، محیطی و فرهنگی نیز اثرگذار است (عابدی اردکانی، ۱۳۹۴: ۱/ ۲۸۴). بدین جهت ارائه تعریف جامع و دقیق از آن دشوار و گاه خارج از توان قلم و بیان است (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷: ۱/ ۵۷۴).

در جهان‌بینی اسلام، جهان تک قطبی و حاکمیت بر آن در انحصار خداوند است. بدین جهت است که ادیان و بخصوص اسلام بر روی عبودیت انحصاری پروردگار تکیه کرده‌اند. قرآن خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: «ای اهل کتاب؛ بیائید بر یک کلمه با هم توافق کنیم که «أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا

نُشْرِكْ بِهٖ شَيْئًا» (آل عمران/۶۴)؛ هیچ کسی غیر از خدا را عبادت نکنیم و هیچ چیزی را -نه فقط هیچ کسی را- شریک خداوند قرار ندهیم و در ادامه طلب را در صحنه زندگی روشن تر و عینی تر می‌کند: «وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران/۶۴) هیچ کدام از ما آن دیگری را پروردگار و ارباب خودمان نگیریم، مگر خدا. بشر با این منطق می‌تواند سنگینی بار نظام‌های فاسد، انسان‌های ظالم و خودکامه و... را از دوش خود بردارند.

با عنایت بدین نکته؛ اساس بهره‌مندی از آزادی اجتماعی، در گِرو آزادی معنوی است و هدف بعثت، تأمین آزادی‌های درونی و بیرونی بوده است (صدر، ۱۳۵۸ق: ۳۰). بنابراین؛ از نگاه قرآن مبنای آزادی توحید است و آزادی بیرونی، پس از تحقق آزادی درونی تأمین می‌شود. در این بینش آزادی یعنی تقید و التزام انسان به اطاعت خداوند و نفی مطلق اطاعت غیر خدا.

همان‌گونه که اشارت رفت، مفهوم آزادی خوانش‌های متعددی را برتافته است؛ برخی آزادی را به معنای رهایی از بند و زندان، تلاش برای کنارگذاشتن موانع، جلوگیری از مداخله، بهره‌کشی و اسارت انسان توسط دیگران می‌دانند (برلین، ۱۳۶۸: ۷۱، به نقل از سیدباقری، ۱۳۹۷: ۱۰)، در نگاه برخی دیگر آزادی یعنی توانایی گزینش یک امر از میان امور گوناگون (جعفری، ۱۳۷۵: ۷۶). شهید مطهری باورمند است که «آزادی یعنی نبود مانع، جبر و قید در سر راه، پس آزادم و می‌توانم راهم را انتخاب کنم» (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

حاصل آن‌که، مفهوم آزادی پس از تبیین زیرساخت‌های بنیادین آن قابل تعریف است. از آن‌جا که در ادبیات قرآن، توحید زیربنای امور است، آزادی در جهان‌بینی الهی عبارت است از پذیرش حاکمیت الهی، نفی حاکمیت طاغوت و ردع و منع همه اسارت‌ها و قیدوبندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...

۲-۳. آزادی بیان

واژه «بیان» در لغت به معنای کشف و آشکارسازی بوده و اعم از نطق است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۵۶ و جوهری، ۱۴۱۰ق: ۵ / ۲۰۸۲) این واژه در قرآن کریم نیز به کار رفته است؛ مانند «ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» (قیامه: ۱۹)، «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ» (آل عمران: ۱۳۸) «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (رحمن: ۴) که همان معانی لغوی پیش‌گفته اراده شده است.

«آزادی بیان» از مفاهیم لغزنده و کش‌دار است، که تفسیرها و بازاندیشی‌های اندیش‌وران بسیاری را تجربه کرده است. برخی بدین باوراند که «آزادی بیان» به معنای ابزار آزادانه باورها از راه-های گوناگون (گفتار، نوشتار، تصویر، مطبوعات و...) بدون ترس از دولت است (سیدباقری، ۱۳۹۷: ۹). به دیگر بیان، «آزادی بیان» یعنی حق نشر افکار از مسیرهای مختلف، بدون این‌که متوقف بر

ضوابط آزادی بیان در ادبیات قرآن کریم با تأکید بر آرای مفسران فریقین [عالمی]

تحصیل اذن یا محکوم به سانسور باشد (شیرخانی، ۱۳۸۶: ۲۳۵). بنابراین، «آزادی بیان» به معنای حق ابراز باورها و فرآورده‌های علمی و فکری خود، در قالب‌های گفتاری، نوشتاری، نمایشی و... بدون دل‌مشغولی و هراس از تعقیب و پی‌جویی است.

۳. ضوابط آزادی بیان

آزادی جزو سرشت و طبیعت انسان است و به تبع آن، آزادی عقیده و بیان، یک امر تکوینی و فطری است. ادیان الهی بر مبنای آفرینش آزادی‌خواهانه انسان، «آزادی بیان» را محترم و در مواردی لازم دانسته‌اند. قرآن کریم «بیان» را هم‌وزن نعمت آفرینش دانسته است (الرحمن: ۳-۴)، و به «قلم» به دلیل عظمت آن سوگند یاد کرده است (القلم: ۱). آموزه‌های قرآنی هم‌چون وجوب تبیین و عدم کتمان (آل عمران: ۷۱ و بقره: ۱۵۹)، لزوم دعوت (نحل: ۱۲۵)، تبلیغ (ابراهیم: ۴ و مائده: ۹۹)، مشورت‌خواهی (آل عمران: ۱۵۹ و شورا: ۳۸)، نصیحت و خیرخواهی، حق پرسش (بقره: ۲۱۷) و پیش‌نهاد (توبه: ۷۱، آل عمران: ۱۱۰ و ۱۰۴)، مکالمه، محاجه و مناظره با دیگران (آل عمران: ۶۱-۶۴ و عنکبوت: ۴۶) و... بسترهای «آزادی بیان» را در جامعه هم‌وار کرده است. از آن‌جایی که برخی بدین‌پندارند که چون، «آزادی بیان» وجود دارد، هرآن‌چه را که در ذهن‌شان خطور کرد، می‌توانند ابراز کرده و انتشار دهند، لازم است برای «آزادی بیان» مقررات و مرزهایی تعیین گردد. این نگارش در جست‌وجوی حدود و ضوابط «آزادی بیان» در قرآن کریم است تا «آزادی بیان» را ضابطه‌مند و مرزبندی‌شده ارائه دهد، که علاوه بر حفاظت از این اصل، مانع بیان‌های بنیان‌کن و فسادآفرین شود. مکتب‌های مختلف الهی و بشری هرکدام در تبیین و قبض و بسط «آزادی بیان» سخن فراوان رانده‌اند، این‌که چه کسی می‌تواند حدود و مرزهای آن را تعیین کند خود پرسشی قابل تأمل است؛ از نگاه جوادى املی تنها عامل تحدیدکننده آزادی، شریعت است؛ زیرا آیین الهی است، که حقوق افراد را تعیین و تجاوز و تخریب آن را تحریم می‌سازد (جوادى املی، ۱۳۸۱: ۴۷۹).

باتوجه به غریزه طغیان‌گر و زیاده‌خواه انسان، آزادی مطلق از سوی عقل، فطرت، ادیان الهی و مکتب‌های بشری پذیرفته شده نیست. پس انسان در عین آزاد بودن، در ابعاد گوناگون زنده‌گی، مرزهایی دارد که باید آن‌ها را رعایت کند و اگر نکند، تنبیه خواهد شد تا از هرج و مرج و فساد جلوگیری شود (جوادى املی، ۱۳۸۱: ۲۹). آزادی طبیعی انسان نباید به آزادی، مالکیت دیگران و امنیت اجتماعی آسیب رساند، مقدسات و ارزش‌های جامعه را زیرپا گذارد و دیدگاه‌های فتنه‌آور را نشر کند (سیدباقری ۱۳۹۷: ۲۳-۲۴ و سبحانی تبریزی، ۱۴۲۱ق: ۲/۴۱۲). اگر اظهار عقیده نوعی تحریک برای انجام کاری یا مخیله مصالح مشروع دیگران باشد، مصونیت خود را از دست می‌دهد (میل، ۱۳۴۰م: ۱۴۷). درپی آنچه بیان شد می‌توان گفت: آزادی مطلق (رها بودن از هر قید و بند و

ندیدن مانع بر سر راه خود) نه منطقی است، نه ممکن است و نه کسی طرفدار اوست؛ بلکه استفاده از آزادی، ادبی دارد که باید یاد بگیریم و یاد بدهیم.

۳-۱. ممنوعیت تجاوز از حدود الهی

یکی از مفاهیم کلیدی در اسلام «حدودالله» است و این حدود در مسأله «آزادی بیان» باید شناخته شده و رعایت شود. قرآن کریم با بیان این که حفظ حدود الهی از شاخصه‌های ایمان داری است «الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ» (توبه: ۱۱۲). از تعدی به آن بازداشته و تجاوزکننده‌گان به حریم الهی را ظالم می‌داند «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۲ (بقره: ۲۲۹)؛ «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا» (بقره: ۱۸۷) و نسبت به نزدیک شدن به مرزهای الهی و عبور از آن‌ها هشدار می‌دهد (قطب، ۱۴۲۵ق: ۱ / ۲۴۹). بر اساس آیات یادشده؛ یکی از ویژگی مؤمنان شناخت حدود الهی، حفاظت از آن و عمل بر طبق خط‌کشی‌های اسلام است؛ زیرا تعدی از حدود الهی، جایز نیست.

براین اساس، انسان مؤمن با پذیرش قوانین الهی، نه به یکه‌تازان و قدرت‌پرستان آزادی می‌دهد و نه خود به آزادی دیگران لطمه وارد می‌کند؛ بل که با رفتار معقول و سنجیده بسترهای فردی و جمعی رسیدن به آزادی و رستگاری را فراهم می‌آورد (سیدباقری، ۱۳۹۹: ۲۹). بنابراین، هرگاه بیان افکار در پیرامند و چهارچوب حدود الهی باشد جایز و هر زمان از مرزهای اسلام تجاوز کند، ناروا و ممنوع است.

۳-۲. ممنوعیت افشای اسرار مملکتی

هر فرد و مجموعه، اسراری دارد که آن را از دید نااهلان پنهان نگه می‌دارند و هرآن که به افشای آن اقدام کند، خیانت‌کار محسوب می‌شود. قرآن کریم با صراحت مسلمانان را از پخش اطلاعات امنیتی بازداشته و انتشار آن را خیانت می‌نامد. در منطق قرآن کریم یکی از مرزهای «آزادی بیان»، افشای اسرار مملکتی است: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَاعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ...»^۳ (نساء: ۸۳). افشاء بی‌ملاحظه اسرار، به حسب این آیه و در شرع مقدس، مذموم و ممنوع است، حتی اگر خبر پیروزی باشد؛ زیرا ممکن است افشای این خبر یک مفاسد جنبی داشته باشد. پس اخبار مهم باید در وقت خود، به اندازه که هیچ‌گونه سوء استفاده

^۲. این است حدود [احکام] الهی؛ پس، از آن تجاوز مکنید. و کسانی که از حدود [احکام] الهی تجاوز کنند، آنان همان ستم‌کارانند.

^۳ و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند؛ و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند.

ضوابط آزادی بیان در ادبیات قرآن کریم با تأکید بر آرای مفسران فریقین ^{غالب}

علیه مردم و علیه جنگ از او نشود، باید بیان کرد. بدین جهت است که از نگاه قرآن، همه اخبار را باید به اولی الامر و مسؤولان گزارش کرد تا آنان با ملاحظه مصالحی که وجود دارد، این خبرها را در اختیار مردم بگذارند.

صاحب‌المنار می‌نویسد: عده‌یی از افراد جامعه نبوی در مدینه؛ منافقان (به هدف زبان‌رسانی)، مسلمان ضعیف الایمان (به هدف دست‌یابی به پاسخ شبهه) و عموم مردم (غالباً از روی میل به آزمایش اخبار و افشای اسرار) (رضاء، ۱۴۱۴ق: ۵/ ۲۹۸). علاقه داشتند اخبار مربوط به پیروزی و یا شکست مسلمانان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴/ ۳۰) یا مطلق اخبار مربوط به «امن و خوف»؛ اعم از اسرار جنگی و اسرار مرکز قدرت و تصمیم‌گیری که به آنان می‌رسند را (رضاء، ۱۴۱۴ق: ۵/ ۲۹۸) بدون واری صحت و سقم و فواید و مضرات آن، پخش کنند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۷/ ۳۷۳)؛ زیرا عامه مردم ضرر آن‌چه می‌گویند، و ضرر آگاه‌شدن جاسوسان دشمن از اسرار ملت خود و پیامدهای آن را نمی‌دانند (رضاء، ۱۴۱۴ق: ۵/ ۲۹۸) و حال آن‌که در موارد بسیار این اخبار، بی‌اساس بوده و از طرف دشمنان به اهداف خاصی جعل شده و اشاعه آن به زبان مسلمانان تمام شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴/ ۳۰) و آنان را با سردرگمی در زنده‌گی اجتماعی (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۷/ ۳۷۳) خطر گم‌راهی و سُست‌شدن عزم مسلمین مواجه می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/ ۲۱). از آن‌جایی که مردم نمی‌توانند پیامدهای منفی و مثبت این سنخ موضوعات بر جامعه را تشخیص دهند، قرآن به مسلمانان دستور داده است، که این دسته از مطالب را به رسول خدا و در صورت غیبت آن حضرت (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۷/ ۳۷۳) به ائمه (ع) و در درجه بعد به دانش‌مندانی که در این گونه مسائل صاحب‌نظرند ارجاع دهند (قطب، ۱۴۲۵ق: ۲/ ۲۷۳ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴/ ۳۱) تا آنان با دانش و اطلاعات خود و تحقیق پیرامون آن اخبار، صحت یا بطلان آن را استنباط کرده و آن‌چه را که موافق مصلحت عمومی تشخیص می‌دهند، بیان کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵/ ۲۲)؛ تا نه مسلمانان گرفتار عواقب غرور ناشی از پیروزی‌هایی خیالی شوند و نه روحیه آن‌ها به خاطر شایعات دروغین مربوط به شکست تضعیف گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴/ ۳۱) از نگاه آلوسی پخش اسرار نظامی بدون سنجش و پالایش آن به دلیل عواقب مصیبت‌بار برای جامعه، جنایت است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۳/ ۹۱).

بنابراین، از منظر قرآن کریم انتشار اخبار و اطلاعات سیاسی، امنیتی، اجتماعی و... به دلیل پیامدهای ناگوار احتمالی آن بر جامعه و سودجویی دشمنان، پیش از سنجش و پالایش افراد آگاه و ذی‌صلاح مذموم و ممنوع است و این یکی از شرایط «آزادی بیان» است.

۳-۳. ممنوعیت نشر افکار اغواگر و گمراه ساز

یکی از عوامل تحدیدکننده «آزادی بیان»، فریب دادن، منحرف ساختن و گمراه کردن مردم است. قرآن کریم یکی از نشانه‌های انسان مؤمن را اعراض از سخنان بی‌هوده می‌داند (مؤمنین: ۳)؛ و به کسانی که در تکاپوی سخنان بی‌هوده اند تا مردم را گمراه سازند، هشدار می‌دهد «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»^۴ (لقمان: ۶). «لهو الحدیث» آن سخنی است که آدمی را از حق منحرف نموده و به خود مشغول سازد؛ همانند حکایت‌های خرافی، داستان‌هایی کشاننده به سمت فساد و فجور، سرگرمی به شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۶/ ۲۰۹ و آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۱/ ۶۷). گفتارهای افسانه خنده‌دار و اضافه (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۴/ ۲۱۲) مانند نصر بن حارث، که گاهی دخترانی را می‌خرد و دستور می‌داد با کسانی که مسلمان شده بودند، زنده‌گی کنند و آنان را از اسلام خارج کنند و قصدش فقط گمراهی و جلوگیری از دین خدا بود (مراغی، بی.تا: ۲۱/ ۷۴). هدف از سخنان باطل، توهین به حق و به سخره گرفتن آن بوده است (همان‌جا). بنابراین؛ هر بیان عقیده آزاد است؛ مگر بیان گمراه‌کننده و اغواگر؛ یعنی بیانی که مایه گمراهی و به خطا افکننده دل‌ها و ذهن‌ها در جامعه باشد، از نظر اسلام ممنوع است؛ زیرا آزادی برای هدایت و رشد افکار و پیشرفت جامعه است، آن آزادی که موجب گمراهی و رکود افکار و عقب‌گرد جامعه باشد، یقیناً قابل قبول نیست.

۳-۴. ممنوعیت تشنج‌آفرینی و شایعه‌پراکنی در جامعه

از دیگر مرزهای آزادی اظهار باورها، اعلام افکاری است، که موجب اخلاص و تنش در جامعه می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمَرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلْبًا»^۵ (احزاب: ۶۰). مؤلف میزان می‌نویسد: کلمه «مرجفون» از «ارجاف» به معنای اشاعه باطل و در سایه آن استفاده‌های نامشروع بردن است، و یا حد اقل مردم را دچار اضطراب کردن است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۶/ ۳۴۰) و مقصود از آن گروهی از منافقان بودند که تبلیغات دروغین را علیه پیامبر (ص) و صحابه پخش می‌کردند و مؤمنان سست ایمان «و الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» را به شک می‌انداختند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۱۶/ ۲۴۰). آنان به‌منظور دست‌یابی به اغراض شیطانی خود، و ایجاد دل‌پره و اضطراب بین مسلمانان، به جنگ روانی، شایعه‌سازی و

^۴ و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بی‌هوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.

^۵ اگر منافقان و کسانی که در دل‌های شان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در هم‌سایه‌گی تو نپایند.

تشنج‌آفرینی می‌پرداختند. خداوند منافقان و بیماردلان را در صورت ادامه فسادانگیزی تهدید شدید کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۶/ ۳۴۰ و مغنیه: همان‌جا).

کوتاه سخن آن‌که: اقدام کسانی که با سخن، شایعه‌پراکنی، موضع‌گیری و اظهارنظرهای خود، در جامعه تشنج‌آفرینی می‌کنند و جوّ عمومی جامعه را به اضطراب می‌کشاند و می‌خواهند امید را از دل‌ها بگیرند و مردم را بترسانند، قابل قبول نیست، حتی در جامعه کوچک زمان پیامبر (ص). قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لنغریبک بهم»؛ اگر شایعه‌پراکن‌ها، تشنج‌آفرین‌ها و کسانی که می‌خواهند جامعه را از سلامت، سکون و آرامش خودش خارج کنند، دست برندارند، ما تو را به جان آن‌ها خواهیم انداخت تا انتقام مردم را بگیری (اغراء). این یک لحن شدید خشن در مقابل کسانی است که حاضر نیستند جو سالم جامعه را تحمل کنند. پس بر مبنای آیات و روایات اسلامی، ارجاف و شایعه‌پراکنی در جامعه آزاد نیست و هر بیانی که اضطراب اجتماعی ایجاد کند ممنوع است.

۳-۵. ممنوعیت اظهار نظرهای غیر عالمانه

یکی از ساحت‌های ضابطه‌مندی «آزادی بیان»، منع سخن بدون علم است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۶ (اسراء: ۳۶)؛ یعنی چیزی را که بدان علم نداریم، نگوئیم و دنبال نکنیم؛ زیرا قول به غیر علم، شایعه‌پردازی است که گفتن و عمل کردن بدان درست نیست. در ادامه می‌فرماید: گوش، چشم و قلب مسؤول و مورد بازخواست است.

مفسران ذیل این آیه بیان می‌دارند، که آیه با اطلاق خود پی‌روی و متابعت از هر چیزی (اعتقادی یا عملی، گفتاری یا رفتاری) که بدان علم و یقین نداریم را نهی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۳/ ۹۲ و مراغی، بی‌تا: ۱۵/ ۴۵)؛ یعنی به چیزی که علم به صحت آن نداری معتقد مشو، و چیزی را که نمی‌دانی مگو، و کاری را که علم بدان نداری مکن؛ زیرا همه این‌ها پی‌روی از غیر علم است. نهی از متابعت امور غیر علمی، فطری است؛ زیرا انسان سلیم الفطره در مسیر زنده‌گی‌اش همواره از علم پی‌روی کرده و دنبال ظن و شک و وهم نمی‌رود، و اگر به چیزی علم و تخصص ندارد، به متخصصان آن مراجعه می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۳/ ۹۲)؛ زیرا سخن گفتن بدون علم قبیح و ناپسند است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۵/ ۴۳).

نتیجه آن‌که، همان‌گونه که گفتار، رفتار و کردار بدون علم از نگاه اسلام ممنوع است، متابعت و دنبال کردن گفتاری و رفتاری از آن نیز مردوع و منهی می‌باشد، پس منع از قول به غیر علم، مانع

^۶ و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

«آزادی بیان» است؛ یعنی فقط ابرازها و اظهارهای آزاد است، که نسبت بدان علم و آگاهی وجود داشته باشد.

۳-۶. ممنوعیت بیان‌های تحریف‌آمیز

تحریف و تفسیر واژگون، پدیده‌یی است نام‌آشنا، که هم‌واره ادیان الهی را تهدید کرده و بخش‌هایی از معارف الهی را به‌گونه ناصواب به خورد جامعه داده است. علامه طباطبایی تحریف را تفسیر کلام برخلاف مراد گوینده دانسته می‌افزاید: تحریف یعنی اسقاط و جاگذاشتن برخی از کلام یا افزودن یا کاستن از کلام (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۵/ ۲۴۱) و یا تقدیم و تأخیر بی‌جهت الفاظ (مراغی، بی.تا: ۶/ ۷۵). تحریف یک امر به دو صورت انجام می‌شود؛ یکی تأویل نادرست و دیگری تغییر و تبدیل آن (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۲۶۷). از نگاه فخر رازی تحریف یعنی شبهه‌افکنی، تأویلات فاسد، تبدیل کلمه از معنای واقعی به معنای باطل؛ مانند رفتار بدعت‌گذاران معاصر با آیات مخالف عقایدشان (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۰/ ۹۳).

از نگاه قرآن، «بیان» آزاد است؛ اما تحریف و تأویل ناروای حقایق ممنوع و مردود می‌باشد. قرآن کریم در چند آیه مسأله تحریف را مطرح کرده است؛ آیه ۷۵ سوره بقره خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آن که گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند، و خودشان هم می‌دانستند». در آیه دیگر خداوند آن یهودیانی را که کلام خدا را تحریف می‌کردند، مورد لعن قرار داده است: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا... وَ لَكِن لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ»^۷ (نساء: ۴۶ و مائده: ۱۳). آوردن صیغه مضارع دلالت بر استمرار پدیده تحریف دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۵/ ۶۲)؛ یعنی هرچند تحریف به معنای مصطلح در علوم قرآن نسبت به کتاب‌های پیشین انجام گرفته است؛ اما تحریف به معنای تفسیر و تبدیل ناروا و تقطیع و تأویل نابه‌جا، یک پدیده همیشه‌گی است و هم‌واره افراد بیماردل و غرض‌ورز به هدف اغفال مردم و نیل به اهداف شوم خویش، دست به این عمل می‌زنند. از آن‌جا که پیامد تحریف و اشاعه افکار تغییر یافته، ضلالت و گمراهی است، بیان‌های تحریف‌شده و تفسیرهای خلاف واقع ممنوع بوده و از مرزهای «آزادی بیان» است.

صاحب مجمع‌البیان در این زمینه می‌نگارد: این آیه نشان می‌دهد که گناه تحریف شریعت بسیار بزرگ است. وی می‌افزاید: تحریف شامل بدعت در فتاوا، محاکمات و سایر امور دینی می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۲۸۵). محمد جواد مغنیه ضمن نقل گفتار صاحب مجمع می‌گوید: کسی که از

^۷ برخی از آنان که یهودی‌اند، کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند، و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام، با درآمیختن عبری به عربی] می‌گویند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم... ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد.

ضوابط آزادی بیان در ادبیات قرآن کریم با تأکید بر آرای مفسران فریقین [عالمی]

ضلالت و گمراهی پی‌روی می‌کند، تنها به خود جنایت نکرده، بل که آثار سوء آن، دامن‌گیر نسل‌های آینده نیز می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۱/ ۱۳۲). با توجه به آثار منفی تحریف و نشر افکار تحریف‌شده، علاوه بر آن که اصل تحریف و تغییر، یک پدیده نارواست، نشر و پخش آن نیز ممنوع است و کسی حق ندارد به بهانه آزادی عقیده و بیان به چنین اعمالی سخیف و منحرفانه دست زند. بدین جهت است که حکومت اسلامی با تبلیغات ضداسلامی، فریب‌گرایانه و بیان‌های که موجب سست شدن ایمان مردم و راهزنی دل‌های آنان می‌شود، مقابله می‌کند.

۳-۷. ممنوعیت بیان‌های غیبت‌آمیز

از آن‌جا که غیبت به مناسبات اجتماعی افراد آسیب می‌رساند و برون‌دادی جز ایجاد کینه و بغض میان مردم ندارد، از دید مکتب‌های توحیدی ممنوع است؛ بنابراین، از بیانی که غیبت در آن باشد، نهی شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا» (حجرات: ۱۲). نهی از غیبت برای تنظیم مناسبات اجتماعی است؛ زیرا غیبت کردن موجب چرکین شدن دل هر دو طرف نسبت به هم شده و روابط اجتماعی از نظم صحیح خارج می‌شود. نظام روابط اجتماعی سالم به رعایت اصول اخلاقی وابسته است و بدون پای‌بندی به آن‌ها پیوندهای اجتماعی مختل خواهد شد.

۳-۸. ممنوعیت افترا به خدا

بیان اندیشه‌های مخالف دین اگر به مرز افترا و دروغ‌بستن به خداوند برسد، ممنوع است؛ و نمی‌توان آن را در چهارچوب «آزادی بیان» مجاز دانست (ایازی، ۱۳۷۹ش: ۲۴۱). قرآن کریم می‌فرماید: «و کیست ستم‌کارتر از آن‌کس که بر خدا دروغ می‌بندد یا می‌گوید: "به من وحی شده"، درحالی‌که چیزی به او وحی نشده باشد، و آن‌کس که می‌گوید: "به زودی نظیر آن‌چه را خدا نازل کرده است نازل می‌کنم"؟ و کاش ستم‌کاران را در گرداب‌های مرگ می‌دیدید که فرشته‌گان [به‌سوی آنان] دست‌های شان را گشوده‌اند [و نهیب می‌زنند]: "جان‌های‌تان را بیرون دهید"» (انعام: ۹۳).

در آیات دیگر نیز این موضوع آمده است (انعام: ۲۱ و ۱۴۴؛ اعراف: ۳۷؛ یونس: ۱۷؛ کهف: ۱۵؛ نحل: ۱۱۶). پس یکی دیگر از مرزهای «آزادی بیان» بدعت و ابراز نظر بر اساس هوی و هوس است؛ یعنی انسان نمی‌تواند نظراتی را به اسم دین اعلام کند که هیچ سندی بر آن ندارد، و سابقه‌بی در علوم دینی نداشته و با قواعد دین سازگار نیست (کاتوزیان و حبیب‌الله رحیمی، ۱۳۸۲: ۶۴). قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُطْعَمَنْ أَعْفُلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف: ۲۸ و قصص: ۲۶ و ۵۰؛ جاثیه: ۲۳).

۳-۹. ممنوعیت تضییع حقوق دیگران

یکی از معضلات جوامع انسانی آن است که افراد به بهانه «آزادی بیان»، دیدگاه‌های فتنه‌انگیز، چالشی، کینه‌جویانه، مغرضانه، غیر منصفانه، توهین‌آمیز، اهانت‌بار، نابخردانه و... را علیه نمادها، رهبران، ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه یا یک گروه، بی‌ملاحظه پخش و نشر می‌دهد، که علاوه بر تضییع حقوق شهروندان، موجب ناآرامی، شورش و هرج و مرج می‌شود (سیدباقری ۱۳۹۹: ۳۲). بدین سبب اسلام در کنار تأیید اصل «آزادی بیان»، التزام به حفظ مصالح جمعی و فردی را نیز مهم شمرده است. در همین راستا قرآن کریم به پرهیز از بیان‌های باطل «وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج: ۳۰)؛ و سخنان بی‌هوده (مؤمنون: ۳) تأکید و به رعایت عدالت و انصاف در گفتارها «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» (انعام: ۱۵۲) امر و از تهمت بی‌دینی به مدعی اسلام (نساء: ۹۴) و اهانت به مقدسات اقوام و ملت‌ها منع کرده است (انعام: ۱۰۸). استهزاء، عیب‌جویی، لقب‌گذاری‌های ناپسند (حجرات: ۱۱ و همزه: ۱)، بدگمانی و تجسس نیز ممنوع شده است (حجرات: ۱۲). از نگاه قرآن اظهار نظر درباره دین، محدود به حفظ حدود آن و پرهیز از گفتار باطل است (نساء: ۱۷۱). رعایت مصالح جامعه اسلامی آن قدر مهم است، که قرآن از هر گفتاری که مورد سوءاستفاده دشمنان واقع شود به شدت منع کرده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نگویید: «راعنا»، و بگویید: «انظرنا»، و [این توصیه را] بشنوید؛ و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است» (بقره: ۱۰۴).

حقیقت آن است، که این چهارچوب‌ها و قیدها، مانع آزادی نیستند؛ بل که به‌نوعی حافظ آزادی به شمار می‌روند؛ زیرا آزادی برای نگاه‌داشتن کرامت انسانی، حفظ ارزش‌های جامعه، بسترسازی برای طرح معقول و سنجیده هنجارها و تعامل و تضارب منطقی دیدگاه‌ها، هم‌راه با ادب بحث و مذاکره است؛ اما اگر به بهانه آزادی، بزرگ‌منشی و کرامت انسانی، ارزش‌ها و شخصیت افراد نادیده انگاشته شود و فضایی آلوده برای کینه‌کشی و توهین‌پرانی، تهمت و مباحث صرفاً احساسی پدید آید، زمینه نابودی خود را فراهم کرده و این‌گونه آزادی قابل دفاع نیست (سیدباقری، ۱۳۹۷: ۲۶). برپایه آیات قرآن کریم و ادبیات مفسران، «آزادی بیان» ایستگاه‌ها و منزل‌گاه‌هایی دارد که عبور از آن‌ها پسامدهای ناگواری را به دنبال دارد و چه بسا منجر به تضائل و انهدام اصل «آزادی بیان» خواهد شد. بیان و آشکار کردن مکنونات و منویات ذهنی در اطاره و چهارچوب عقل، شرع، منطق و قانون آزاد است و هرگاه از این حدود تجاوز کند و پیامدهای خسارت‌بار داشته باشد، ممنوع بوده و مقابله با آن و جلوگیری از آن بر امت اسلامی و نظام اسلامی لازم است.

۴. مناقشه

«ضوابط آزادی بیان» که افزون بر پاسداری از اصل «آزادی بیان»، محیط جامعه را از بیان‌های بی-ضابطه و آلوده حفظ می‌کنند، تاکنون در نگره قرآن کریم به صورت وافی مورد تتبع قرار نگرفته است، جز مقاله «محدودیت‌های آزادی بیان در حقوق بشر اسلامی با روی‌کرد به اسناد بین‌المللی»، نگاشته حسین ملکوتی. روی‌آورد مقاله یاد شده مقایسه بین اسلام و اسناد بین‌المللی است و برخی از ضوابط اسلامی آزادی بیان را یادآوری کرده است؛ اما به مستندات قرآنی آن توجه چندانی نداشته و به دیدگاه‌های تفسیری اندیش‌مندان تشیع و تسنن اهتمام نورزیده است؛ مقاله حاضر قرآن کریم را که معتبرترین منبع اندیشه اسلامی است، اصل قراردادده و با تکیه بر برداشت‌های مفسران فریقین، نگرش قرآن در مورد «ضوابط آزادی بیان» را در نه عنوان کلیدی احصاء و تحلیل کرده است. واریسی برداشت‌های مفسران هردو مکتب شیعی و سنی از آیات تصویر کننده «ضوابط آزادی بیان» نشان‌گر آن است که همه آن‌ها بر ضابطه‌مندسازی آزادی بیان، به دلیل فواید پرشمار آن، تأکید دارند. از برجسته‌گی‌های نگاه قرآن کریم به حدود آزادی بیان آن است که دارای جامعیت است؛ زیرا بیان‌های آسیب‌زننده به خود، خدا، دیگران، حوزه زندگی خصوصی، عرصه زندگی اجتماعی و نیز میدان باورها، رفتارها و ارزش‌ها را ممنوع می‌کند. بنابراین؛ ارائه تصویر فراگیر از ضوابط قرآنی آزادی بیان که ناشی از جامعیت قرآن کریم است و نیز مطالعه تطبیقی و کشف دیدگاه یک‌سان مفسران فریقین در این محور (وحدت علمی)، امتیاز پژوهش حاضر به شمار می‌رود.

۵. نتیجه‌گیری

یکی از مسائل چالش‌برانگیز در حیثه «آزادی بیان» حدود و قیود آن است. این امر آن‌گاه حساس‌تر می‌شود که فعالان اجتماعی طرف‌دار «آزادی بیان»، با شرایط محدودیت‌ساز مواجه شوند. از نگاه عقل همان‌گونه اصل «آزادی بیان» پذیرفته شده است، ضابطه‌مند کردن آن نیز پذیرفته است. از منظر قرآن کریم بیان افکار و باورها، نه تنها جایز، بل که در پاره‌یی از زمان‌ها لازم است؛ البته نه به صورت مطلق و بدون قید و بند؛ بل که لازم است نظریه‌پردازی و مناظره در ضمن وفاداری به اصول اخلاق و منطق صورت گیرد، میان «هرج و مرج» و «دیکتاتوری» تعادل ایجاد شود و سهم آزادی، اخلاق و منطق، همه یک‌جا و در کنار یک‌دیگر ادا شود. مفسران هر دو مکتب شیعی و سنی بدین باورند که؛ بیان اندیشه توأم با رعایت ادب استفاده از آزادی، یک مطالبه قرآنی است و هدف اسلام آن است، که هم فرهنگ خفقان و سرجنابیدن و جمود و هم فرهنگ آزادی بی‌مهاری و خودخواهانه نقد و اصلاح کند و هم فضایی بسازد که در آن، «آزادی بیان»، مقید به منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران گردد، نه به هیچ چیز دیگری، تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها فعال و برانگیخته شوند. برای

علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج و مرج فرهنگی به‌ترین راه، همین است که «آزادی بیان» در چهارچوب قانون و تولید نظریه در چهارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود. در قرآن کریم ضوابط و حدودی برای «آزادی بیان» تعیین شده است. تفسیرنویسان تشیع و تسنن این دسته از آیات را به نیکی تبیین و تحلیل کرده است؛ مانند عدم تجاوز از حدود الهی، ممنوع‌بودن نشر اسرار دولت و ملت، ترویج و تبلیغ افکار گمراه‌ساز و تنش‌آفرین، اظهارنظرهای جاهلانه و مغرضانه، تحریف و تأویل ناروا، بیان‌های برهم‌زننده روابط سالم اجتماعی، تضییع حقوق دیگران. باتوجه به آن چه گذشت آشکار می‌شود که ضابطه‌مند کردن «آزادی بیان»، رفتارها و گفتارهای مسؤولان و شهروندان را معیارمند می‌سازد و مسیر تحقق آزادی واقعی را هموار ساخته و به قدرت‌مداران اجازه نمی‌دهد تا «آزادی بیان» را به نفع خود تحلیل و توجیه کنند.

ORCID

MohammadHossein Mohammadi



<https://orcid.org/0000-0003-4331-3296>

Ahmad Fasihi Akhlaqi



<https://orcid.org/0009-0004-2102-632X>

سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**. گردآورنده: شمس‌الدین، سناء بزیع. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۴. ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ق). **تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور**. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). **تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)**. محقق: شمس‌الدین، محمد حسین. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۶. اسحاقی، حسین. (۱۳۸۴). **آزادی در اسلام و غرب**. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۷. انوری، حسن. (۱۳۸۱). **فرهنگ بزرگ سخن**. تهران: سخن.
۸. ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۷۹). **آزادی در قرآن**. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۹. برلین، آیزیا. (۱۳۶۸). **چهار مقاله درباره آزادی**. ترجمه محمدعلی موحدی. تهران: شرکت سهامی خوارزمی.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). **أنوار التنزیل و أسرار التأویل** (تفسیر البیضاوی). تحقیق: محمد عبدالرحمن مرعشلی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۵). **فلسفه و هدف زندگی**. تهران: انتشارات قدیانی.

[ضوابط آزادی بیان در ادبیات قرآن کریم با تأکید بر آرای مفسران فریقین] **غالب**

۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). **تفسیر موضوعی قرآن: جامعه در قرآن**. قم: نشر اسراء.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). **الصحاح: تاج اللغة و الصحاح العربیه**. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت‌نامه دهخدا**. تهران: دانش‌گاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات الفاظ قرآن**. بیروت: دارالعلم.
۱۶. رضا، محمد رشید. (۱۴۱۴ق). **تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار**. بیروت: دارالمعرفه.
۱۷. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۱ق). **مفاهیم القرآن**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۸. سیدباقری، سید کاظم. (۱۳۹۷). «**حق آزادی بیان از منظر قرآن کریم**». مجله علوم سیاسی. ۲۱(شماره ۸۱). صص ۷-۳۲. doi: 10.22081/psq.2018.65864
۱۹. سیدباقری، سید کاظم. (۱۳۹۹). «**ضوابط آزادی سیاسی با تأکید بر قرآن کریم**». قم: دوفصل‌نامه معرفت سیاسی. ۱۲(۲). صص ۲۳-۴۱. <http://noo.rs/UsSQb>
۲۰. شیرخانی، علی. (۱۳۸۶). **آزادی از نگاه اسلام شیعی**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. صدر، سیدمحمدباقر. (۱۳۵۸). **نهادهای اقتصادی اسلام**. ترجمه غلامرضا بیان و فخرالدین شوشتری. تهران: بدر.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چ ۲. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. چ ۳. تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طبری، محمدبن جریر. (بی.تا). **تاریخ الطبری**. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دارالمعارف.
۲۵. عابدی اردکانی، محمد. (۱۳۹۴). **دایره‌المعارف حکمت سیاسی اسلامی**. بی.جا.
۲۶. عمید، حسن. (۱۳۷۷). **فرهنگ فارسی عمید**. چ ۱۲. تهران: سپهر.
۲۷. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۷). **فقه سیاسی** (حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهور اسلامی ایران). چ ۴. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۸. فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **التفسیر الکبیر** (مفاتیح الغیب). چ ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. فضل‌الله، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۹ق). **تفسیر من وحی القرآن**. چ ۲. بیروت: دارالاملاک للطباعه و النشر.
۳۰. فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۸ق). **ترجمه قرآن**. چ ۳. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۱. قطب، سید. (۱۴۲۵ق). **فی ظلال القرآن**. چ ۳۵. بیروت: دارالشروق.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الکافی** (ط-الإسلامیه). محقق/ مصحح: علی‌اکبر غفاری محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۳. کاتوزیان، ناصر و هم‌کاران. (۱۳۸۲ق). **آزادی اندیشه و بیان**. تهران: نشر گرایش.

۳۴. مراغی، احمد مصطفی. (بی.تا). **تفسیر المراغی**. ج ۱. لبنان: دارالفکر.
۳۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). **اسلام و مقتضیات زمان**. ج ۸. تهران: انتشارات صدرا.
۳۶. معین، محمد. (۱۳۷۶). **فرهنگ فارسی**. ج ۱۰. تهران: سپهر.
۳۷. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). **التفسیر الکاشف**. قم: دارالکتاب الإسلامی.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**. ج ۱۰. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۹. میل، جان استورات. (۱۳۴۰ق). **درباره آزادی**. ترجمه محمود صناعی. تهران: کتاب‌های جیبی.

References

1. The Holy Quran.
2. Nahj al-Balagha.
3. Alusi, Mahmud bin Abdullah. (1995). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' al-Mathani*. Compiler: Shamsuddin, Sanaa Bazie. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Baydoun.
4. Ibn Ashur, Muhammad Tahir. (2000). *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir known as Tafsir Ibn Ashur*. Beirut: Arab History Institute.
5. Ibn Kathir, Ismail bin Umar. (1998). *Tafsir al-Quran al-Azim (Ibn Kathir)*. Investigator: Shamsuddin, Muhammad Hussein. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Baydoun.
6. Es-haqi, Hossein. (2005). *Freedom in Islam and the West*. Qom: Islamic Research Center of IRIB.
7. Anvari, Hassan. (2002). *Sokhan's Comprehensive Dictionary*. Tehran: Sokhan.
8. Ayazi, Seyed Mohammad Ali. (2000). *Freedom in the Quran*. Tehran: Zechariah Research and Publishing Institute.
9. Berlin, Isaiah. (1989). *Four Essays on Liberty*. Translated by Mohammad Ali Mohaadi. Tehran: Kharazmi Joint Stock Company.
10. Al-Baydawi, Abdullah bin Omar. (1997). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (Tafsir al-Baydawi)*. Edited by Muhammad Abdulrahman Marashli. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
11. Jafari, Mohammad Taghi. (1996). *The Philosophy and Goal of Life*. Tehran: Ghadyani Publications.
12. Javadi Amoli, Abdullah. (2002). *Thematic Interpretation of the Quran: Society in the Quran*. Qom: Esra Publishing.
13. Jawhari, Ismail bin Hammad. (1989). *Al-Sihah; Taj al-Lughah wa al-Sihah al-Arabiyya*. Beirut: Dar al-Ilm Lil-Malayin.
14. Dehkhoda, Ali Akbar. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran.
15. Raghیب al-Isfahani, Hossein bin Mohammad. (1991). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Beirut: Dar al-Ilm.
16. Rida, Mohammad Rashid. (1993). *Tafsir al-Quran al-Hakim known as Tafsir al-Manar*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
17. Sobhani Tabrizi, Jafar. (2000). *Mafaheem al-Quran*. Qom: Imam Sadiq Institute.
18. Seyyed Bagheri, Seyed Kazem. (2018). "The Right to Freedom of Expression from the Perspective of the Holy Quran". *Political Science Journal*. 21(81). pp. 7-32. doi: 10.22081/psq.2018.65864

19. Seyyed Bagheri, Seyed Kazem. (2020). "Regulations of Political Freedom with Emphasis on the Holy Quran". Qom: Bi-annual Journal of Political Knowledge. 12(2). pp. 23-41. <http://noo.rs/UsSQb>
20. Shirkhani, Ali. (2007). Freedom from the Perspective of Shia Islam. Tehran: Islamic Revolution Document Center.
21. Sadr, Seyed Mohammad Baqir. (1979). The Economic Institutions of Islam. Translated by Gholamreza Bayan and Fakhruddin Shushtari. Tehran: Badr.
22. Tabataba'i, Mohammad Hossein. (2011). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. 2nd ed. Beirut: Al-A'lami Institute for Publications.
23. Tabarsi, Fazl bin Hassan. (1993). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran. 3rd ed. Tehran: Naser Khosrow.
24. Tabari, Mohammad bin Jarir. (n.d.). History of Tabari. Edited by Mohammad Abu al-Fadl Ibrahim. Cairo: Dar al-Ma'arif.
25. Abedi Ardakani, Mohammad. (2015). Encyclopedia of Islamic Political Wisdom. No place.
26. Amid, Hassan. (1998). Amid Persian Dictionary. 12th ed. Tehran: Sepehr.
27. Amid Zanjani, Abbasali. (1998). Political Jurisprudence (Constitutional Rights and Foundations of the Constitution of the Islamic Republic of Iran). 4th ed. Tehran: Amir Kabir Publishing Institute.
28. Fakhr al-Razi, Mohammad bin Omar. (2000). Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb). 3rd ed. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
29. Fadlallah, Seyed Mohammad Hossein. (1998). Tafsir Min Wahy al-Quran. 2nd ed. Beirut: Dar al-Malak for Printing and Publishing.
30. Fooladvand, Mohammad Mahdi. (1997). Translation of the Quran. 3rd ed. Tehran: Office of Islamic History and Knowledge Studies.
31. Qutb, Sayyid. (2004). Fi Zilal al-Quran. 35th ed. Beirut: Dar al-Shorouq.
32. Kulayni, Mohammad bin Yaqub. (1986). Al-Kafi. Edited by Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
33. Katouzian, Nasser and colleagues. (2003). Freedom of Thought and Expression. Tehran: Geraish Publishing.
34. Maraghi, Ahmed Mostafa. (n.d.). Tafsir al-Maraghi. 1st ed. Lebanon: Dar al-Fikr.
35. Motahari, Morteza. (2007). Islam and the Demands of the Time. 8th ed. Tehran: Sadra Publications.
36. Moein, Mohammad. (1997). Persian Dictionary. 10th ed. Tehran: Sepehr.
37. Moghniyeh, Mohammad Jawad. (2003). Al-Tafsir al-Kashif. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
38. Makarem Shirazi, Nasser. (1992). Tafsir Nemooneh. 10th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
39. Mill, John Stuart. (1961). On Liberty. Translated by Mahmoud Sanai. Tehran: Pocket Books.